

مصوبه شورای عالی کار حکومت اسلامی، حقوق میلیون ها کارگر را از آنها سلب نمود

خاتمی و گروه های طرفداروی درجبهه موسوم به دوم خرداد، از همان هنگام پیروزی شان درسال ۷۶، از آن رو مورد حمایت همه جانبه سرمایه داران داخلی و بین المللی قرار گرفتند که باتوجه به مجموع اوضاع اقتصادی و سیاسی موجود در ایران، بهتر از دیگر گروه ها و دسته های درونی هیئت حاکمه می توانستند منافع سرمایه را تامین کنند. اینان به منظور تامین هرچه بیشتر منافع سرمایه داران داخلی و بین المللی، پیگیرتر از رفسنجانی، اجرای برنامه ها و سیاست های ارتجاعی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را در دستور کار قرار دادند. لذا اگر در این چند سال چیزی به نفع توده زحمتکش مردم تغییر نکرد و حتا ادعاهای خاتمی چی ها در مورد آزادی و

دمکراسی پوشالی از کار درآمد، تغییرات زیادی به نفع سرمایه داران انجام گرفت. مجلس ارتجاع اسلامی و کابینه خاتمی برای انجام تغییراتی که مطلوب سرمایه داران و سودهای هنگفت تر برای آنها بود، با یکدیگر مسابقه گذاشتند. آنها در این تلاش برای تامین هرچه بیشتر منافع سرمایه داران، در حالی که از حمایت و پشتیبانی جناح رقیب خویش نیز برخوردار بودند، پی در پی قوانین و مقررات جدیدی را تصویب و به مرحله اجرا در آوردند تا هر گونه محدودیتی از سر راه سرمایه برداشته شود. آنها کارخانه ها و موسساتی را که حاصل دسترنج کارگران ایران است، مفت و مجانی به سرمایه داران واگذار نمودند. از طریق درآمدهای حاصل از نفت اعتبارات چند

میلیارد دلاری در اختیار آنها قرار دادند. سرمایه داران را از پرداخت بخش قابل ملاحظه ای از مالیات ها معاف کردند. به سرمایه های بین المللی امکان دادند که بدون هرگونه محدودیتی، سرمایه به ایران صادر کنند. بدون هرگونه محدودیتی کارگران را استثمار کنند و بدون هرگونه محدودیتی ثروت های طبیعی ایران را به یغما ببرند و بدون هرگونه محدودیتی بر حجم سودهای خود بیافزایند و پی در پی امتیاز نفت و گاز را به سرمایه داران بین المللی و شرکای داخلی آنها واگذار نمودند. آنها سوبسید هایی را که برای تامین بخشی از نیازهای روز مره مردم اختصاص یافته بود، حذف نمودند و بار

کار کنار گذاشته نشده اند، بلکه کارگاه - های کمتر از ۱۰ کارگرتنها ازشمول ۳۰ ماده ازقانون کار "معاف" شده اند. گرچه هنوز به طور کامل و رسماً این تغییرات اعلام نشده اند، اما با نظری کوتاه به تغییراتی که جسته و گریخته اعلام شده است، می توان دریافت که در واقعیت امر، دو سوم کارگران ایران ازشمول قانون کار کنارگذاشته شده اند. نه فقط از آن رو که رسماً برخی ازمواد قانون کار که حق و حقوقی برای کارگرقائل بود، به کلی حذف شده است، بلکه همچنین انجام برخی تغییرات که لازمه استفاده کارگران از قانون کار بوده است. از همین نکته آغاز کنیم.

برای این که اساساً کارگرتواند دربرابر سرمایه دار، ادعای قانونی و حقوقی داشته باشد، باید قرار داد رسمی و کتبی میان کارگر و سرمایه دار وجود داشته باشد، تا کارگر با استناد به آن، بتواند ازحق و حقوقی که قانوناً برای او به رسمیت شناخته می شود، استفاده کند. از همین روست که درقانون کار رژیم، پس ازتعاریف کلی، اولین مسئله ای که مورد بحث قرار گرفته است، قرار داد کار است. در ماده ۱۰ آمده است که قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین باید حاوی موارد ذیل باشد. نوع کار و وظیفه ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد. حقوق یا مزد مبنا و لواحق آن، ساعات کار، تعطیلات و مرخصی ها، محل انجام کار، تاریخ انعقاد قرارداد، چنانچه کار برای مدت معین باشد و موارد دیگر که عرف یا عادت شغل و محل ایجاب می نماید. در تبصره این ماده گفته شده است، در مواردی که قرارداد کارکتبی باشد، (و بایدافزافه کنیم که اصولاً قراردادی که رسمی و قانونی باشد وحاوی مشخصات و مختصات اعلام شده در ماده ۱۰ باشد، الزاماً، قراردادی کتبی خواهد بود و بحث ما در اینجا برسر سوراخ و سنبه -هایی که قانون کار رژیم برای استفاده سرمایه داران باز گذاشته و نیز نحوه عملکرد جمهوری اسلامی در سال های گذشته نیست.) قرار داد در چهار نسخه تنظیم، که یک نسخه آن به اداره کار محل، یکی نزد کارگر، یکی نزد کارفرما، و دیگری در اختیار شورای اسلامی و در جایی که شورای اسلامی نیست در اختیار نماینده کارگر قرار خواهد گرفت. در تغییراتی که داده شد، این تبصره حذف شده است. اما چرا تبصره ونه تمام ماده ۱۰؟ به این علت که ماده ۱۰ به استناد این تبصره چیزی نیست مگر کلیاتی در باره مشخصات یک قرار داد. تنها در تبصره این ماده است که از یک قرار داد مشخص رسمی و قانونی صحبت می شود که کتبی - ست و وقتی که کتبی ست باید مشخصات و مختصات کلی بالا را به طور مشخص در خود منعکس کرده باشد و در ۴ نسخه تنظیم شده باشد که یک نسخه آن به اداره کار فرستاده شود و بااستناد به همین قرارداد رسمی و کتبی، کارگر، می توانست ادعای رسمی و قانونی داشته باشد. تاکنون در

افزایش قیمت را به دوش مردم زحمتکش انداختند. باافزایش بهای نرخ ارز، بهای کالاهای مورد نیاز مردم را به چند برابر افزایش دادند و درآمد حاصل از آن را به جیب سرمایه داران سرازیر نمودند. آنچه که محور تعیین کننده پیشبرد این سیاست اقتصادی بود، تشدید استثمار کارگران و تامین سودهای کلان برای سرمایه داران بود. استثمار کارگران تشدید شد. میلیون ها کارگر اخراج و به صفوف بیکاران پیوستند و طبقه کارگر وتوده های زحمتکش مردم روزبه روزفقیرتر شدند. اما این هنوز پایان کارنیست. مرتجعین حاکم بر ایران به منظور تشدید استثمار کارگران تلاش نمودند، حتاحقوقی را که کارگران ایران با مبارزه خود درطول یکقرن گذشته به دست آورده بودند از آنها سلب نمایند. از نظر آنها کارگرباید ازهرگونه حق و حقوق رسمی و مدون محروم باشد تا نتواند در برابر استثمارگران ادعای حق و حقوق قانونی داشته باشد. لذا یورش به قانون کار و هر چیزی که در آن، حقی برای کارگر به رسمیت شناخته شده بود، آغازگردید. "اصلاح طلبی" بورژوازی ارتجاعی، سر از ارتجاع تام و تمام درآورد. نه تنها دردوران خاتمی، از بیشمار حقوق سلب شده مردم، یکی از این حقوق به آنها پس داده نشد، بلکه آغاز به سلب حقوق جدیدی از کارگران نمودند. کابینه و مجلس "اصلاح طلب"، نخست هرحقی را ولو محدود که درقانون کارخود رژیم برای کارگران کارگاههای کمتر از ۵ شاغل به رسمیت شناخته شده بود، از آنها سلب نمودند و آنها را ازشمول قانون کار "معاف" کردند، اما مسئله تنها محدود به کارگران کارگاههای کوچک نبود، لذا نوبت به کار - خانه ها و کارگاههایی با ۱۰ کارگر رسید تا آنها را نیز از شمول قانون کار "معاف" کنند. کارگران، با تظاهرات و راه - پیمایی های خود، در برابر این تلاش سرمایه داران ودولت پاسدار منافع آنها ایستادند. اما "اصلاح طلبان" مصمم بودند که برای خدمت به طبقه خود، حقوق این کارگران را نیز لگدمال کنند. آنها تصمیم خود را گرفته بودند و تنها منتظر لحظه مناسب برای اعلام آن بودند.

چند روز پیش، درحالی که سر مردم بر سر یک کاریکاتور گرم کرده بودند، معاون وزارت کار، موقعیت را برای اعلام این تصمیم مناسب یافت. وی گفت: مقررات کار - گاههای کمتر از ۱۰ نفر کارگر به تصویب شورای عالی کار رسید و با تصویب هیئت دولت به مرحله اجرا درخواهد آمد. از آنجایی که خود هیئت دولت خواهان این تغییرات بوده است، باید گفت که این مصوبه شورای عالی کار که متشکل از نمایندگان دولت، سرمایه داران و نمایندگان قلابی کارگران ازقانون عالی شوراهای اسلامی است، قطعیت یافته و به زودی به مرحله اجرا نیز در خواهد آمد. اما این مقرراتی که معاون وزارت کار از آنها نام می برد چه هستند؟ ظاهراً هم به خاطر مخالفت کارگران و هم عواقب بین المللی آن، نام آن را کنارگذاشتن کارگاه های کمتر از ۱۰ کارگر از شمول قانون کار نگذاشته اند. معاون وزارت کار می گوید این کارگران کلاً از شمول قانون

مصوبه شورای عالی کار حکومت اسلامی، حقوق میلیون ها کارگر را از آنها سلب نمود

مواردی که سرمایه داران می خواستند کارگران را از بخشی از حقوق و مزایای - شان محروم سازند ، ظاهرا رسماً موظف بودند، قراردادی ولو قرار داد مؤقت ۸۹ روزه با کارگر ببندند . اما با حذف این تبصره ، دیگر چیزی به نام قرارداد کتبی که در آن دستمزد و مزایای کار ، ساعات کار ، تعطیلات ، مرخصی ها و غیره باشد و حق و حقوقی برای کارگر ایجاد کند ، وجود نخواهد داشت . و وقتی که چنین قراردادی دیگر وجود نداشته باشد ، اساساً نمی توان صحبتی از این مسئله به میان آورد که آیا کارگرمشمول قانون کار است یا نیست. کار فرما باشرایطی که خود می خواهد یک روز ، دوروز ، چند روز ، چند ماه و حتا چند سال کارگرایه کار وامی دارد و هر لحظه هم که اراده کرد کارگر را اخراج می کند. کارگرم دستش به هیچ جا بند نیست و هیچ ادعای قانونی و حقوقی نمی تواند داشته باشد. بنابراین روشن است که حذف همین تبصره در واقع بدین معناست که کارگران کارگاههای کمتر از ده کارگر از شمول قانون کار حذف شده اند. طبیعی است که با تغییرات داده شده در ماده ۱۰ ، مواد دیگر اساساً موضوعیت خود را از دست می دهند. مابقی تغییرات نیز چیزی جز بیان همین واقعیت نیست که کار - گران کارخانه ها و موسسات فوق الذکر از هرگونه حق و حقوقی محروم شده اند. حذف ماده ۱۲ به ویژه در شرایط کنونی که رژیم کار - خانه ها و موسسات دولتی را به سرمایه داران بخش خصوصی واگذار می کند و این سرمایه داران خود را موظف به اجرای قرار دادها نمی دانند ، حربه ای است در دست آنها علیه تمام کارگران. ماده ۱۲ ، هر نوع تغییر حقوقی در وضعیت مالکیت موسسات را در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعی یافته است ، موثر نمی دانست و کار فرمای جدید را قائم مقام تعهدات کار - فرمای سابق می دانست. حذف این ماده به این معناست که کارفرمای جدید ، هیچ گونه تعهدی در قبال تعهدات کار فرمای سابق ندارد و هر گونه که خود اراده کرد ، عمل خواهد نمود. چون اساساً مسئله قرارداد کار و ایجاد تعهد برای سرمایه دار و هرگونه محدودیت برای اخراج کارگران ، منتفی شده است. مواد ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ و ۱۹ نیز حذف شده و حقوقی که در این بندها برای کار - گران به رسمیت شناخته شده بود از آنها سلب شده است. از جمله در این مواد آمده است که قرارداد کارگرانی که مطابق قانون کار از مرخصی تحصیلی یا دیگر مرخصی های بدون حقوق استفاده می کنند یا دوره سربازی را می گذرانند به حالت تعلیق در می آید ، یعنی پس از این مدت آنها می توانستند به سرکار خود باز گردند و سرمایه دار قانوناً مجاز به فسخ قرار داد نبود . اکنون که سرمایه دار می تواند هر لحظه که اراده کرد ، کارگر را اخراج کند و اساساً قرارداد کار معنایی نخواهد داشت ، بدیهی است که دیگر بحثی از تعلیق یا فسخ قرارداد نمی تواند در میان باشد.

ماده ۱۸ قانون کار ، کارفرمایانی را که با شکایات خود ، کارگران را به زندان می انداختند ، اما این توقیف منجر به محکومیت آنها نمی شد ، مکلف می ساخت که مدت بازداشت را جزء سابقه کار کارگر محسوب

نمایند و علاوه بر جبران ضرر و زیان وارده ، مزد و مزایای وی را نیز بپردازند و نیز آنها را موظف می ساخت تا مشخص شدن تکلیف کارگر ، حداقل ۵۰ درصد از حقوق ماهانه او را به طور علی الحساب به خانواده اش پرداخت نمایند. با حذف این ماده ، سرمایه دار به سادگی می تواند کارگر را به زندان بیاورد و اخراج کند ، بدون این که کمترین هزینه ای برای وی داشته باشد و یا احتمالاً موظف به جبران ضرر و زیان کارگر گردد.

با حذف ماده ۲۶ تا ۳۱ ، کار فرما مجاز خواهد بود ، هرگونه تغییری را در شرایط کار به میل خود ایجاد نماید . از پرداخت مطالبات و حقوق معوقه و پرداخت " حق سنوات " به کارگری که به اتهام نقض آئین نامه های انضباطی اخراج می شود ، سرباز زند . در این موارد ، دیگر هیئت های حل اختلاف نیز وجود نخواهند داشت و کار فرما خود تصمیم گیرنده است. اگر کارگاه بر اثر حوادث غیر مترقبه تعطیل شد ، نه سرمایه دار و دولت در قبال تامین معاش کارگر تعهدی خواهد داشت و نه حتا پس از راه افتادن مجدد کارگاه ، الزام به استخدام مجدد کارگران . ماده ۳۱ نیز که ناظر بر خاتمه قرارداد به لحاظ از کار افتادگی کلی یا بازنشستگی و تعهد کار فرما به پرداخت حقوقی به میزان ۳۰ روز به نسبت هر سال سابقه خدمت بر اساس آخرین مزد کارگر است ، در تغییرات جدید حذف شده است.

با حذف مواد ۴۸ تا ۵۰ دیگر نظام طبقه بندی مشاغل برخواهد افتاد و مجازات هایی نیز که برای کارفرمایان پیش بینی شده بود ، حذف می گردد.

وقتی که دیگر کارگزار هرگونه حق و حقوقی محروم باشد و سرمایه دار مجاز باشد به هر شکل که اراده کرد ، کارگر را به کار وادارد ، دیگر محدودیتی در مورد ساعات کار نیز وجود نخواهد داشت . ماده ۵۱ قانون کار محدودیت کار روزانه ۸ ساعت و مجموع ساعات کار هر هفته را ۴۴ ساعت تعیین کرده است. حذف این ماده ، به این معناست که سرمایه دار می تواند یک کارگر را در هر روز ۱۲ تا ۱۶ ساعت و در هر هفته تا ۷۰ الی ۸۰ ساعت به کار وادارد و استثمار کند و هیچ گونه مانعی بر سر راه او نیست. با تغییراتی که در مواد ۵۶ تا ۵۸ داده شده است ، محدودیت ساعات کار حذف و اضافه دستمزد شب کاری و فوق العاده نوبت کاری نیز حذف شده است.

با حذف ماده ۶۲ حتا یک روز تعطیل کار - گران در هفته ملغاً شده است. ماده ۶۲ ، روز جمعه را ، روز تعطیل هفتگی کارگران با استفاده از مزد می داند. با تغییرات جدید ، از این پس دو سوم کارگران ایران از تعطیلی یک روز در هفته با استفاده از دستمزد نیز محروم می شوند. حذف این ماده دوجنبه دارد که در نوع خود در تمام دنیا کم نظیر است. اولاً کارگر مجبور است در صورت دستور سرمایه دار روزهای جمعه را نیز کار کند و در هر هفته یک روز هم نتواند استراحت کند و تجدید قوا نماید. ثانیاً - چنانچه روز جمعه را کار نکرد و یا کار فرما آن روز را تعطیل اعلام نمود ، هیچ گونه دستمزد و مزایایی به او تعلق نخواهد گرفت. مرخصی سالانه کارگران که بر طبق مواد

۶۴ و ۶۵ به مدت یک ماه با استفاده از دستمزد و برای کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور اشتغال دارند ۵ هفته است ، به ۲۱ روز و ۲۴ روز ظاهراً کاهش می یابد و تازه معلوم نیست که دستمزدی به کارگر تعلق بگیرد.

حذف ماده ۷۳ ، نیز سه روز مرخصی کارگران را با استفاده از دستمزد در مواقع ازدواج یا فوت همسر ، پدر ، مادر و فرزندان ، ملغاً نموده است. در میبخت چهارم و پنجم قانون کار در مورد شرایط کار زنان و نوجوانان با حذف ماده ۷۷ ، انجام کارهای سخت و زیان آور برای زنان باردار بلامانع اعلام شده است و زن کارگر در حین بارداری نیز موظف می گردد که هر کار سنگینی را نیز که برای سلامت وی زیان آور و خطرناک است انجام دهد.

با حذف مواد ۸۱ و ۸۲ ، حداقل هایی را نیز که قانون کار موجود در مورد جوانان کارگر کم سن و سال ، در رابطه با تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان ، آزمایش های پزشکی سالانه و نیم ساعت کار کمتر داشت ، از بین می رود.

مواد مربوط به فصل خدمات رفاهی کارگران تماماً از ماده ۱۴۹ تا ۱۵۴ حذف شده اند. لذا کارفرمایان دیگر مکلف به احداث خانه هایی در جوار محل کار ، همکاری با تعاونی های مسکن برای تامین خانه برای کارگران ، تامین غذای مناسب برای کارگران کارگاه - های که دور از مناطق مسکونی اند ، ایجاد تسهیلات برای تعاونی های مصرف ، تامین وسیله نقلیه مناسب برای رفت و برگشت کار - گران ، تسهیلات ورزشی ، آموزشی و غیره نیستند.

سرانجام این که مجازات ها و جرائمی که در مواد ۱۷۳ و ۱۷۵ در مورد تخلف کارفرمایان از مفاد قانون کار پیش بینی شده بود ، نیز حذف شده اند.

با این نظر کوتاه به ۳۰ ماده ای که رژیم اعلام کرده است کارگران کارگاههای کمتر از ۱۰ کارگر از شمول آنها خارج شده اند ، روشن می گردد که اساساً دیگر چیزی از قانون کار باقی نمانده است که حق و حقوقی برای کارگران کارخانه ها و کارگاه های زیر ۱۰ نفر قائل باشد. وقتی که هرگونه محدودیت ساعات کار برافتنده باشد ، کارگران حتا از یک روز تعطیلی در هفته نیز محروم باشند ، کار فرما تحت هر شرایطی که اراده کند و با هر میزان دستمزدی که خود تعیین می نماید می تواند کارگر را به کار وادارد و استثمار کند و هر لحظه که اراده کرد ، او را اخراج نماید ، باید گفت که شرایط کار دو سوم کارگران ایران به یک قرن پیش به دوران سلطنت قاجاریه بازگشته است. اما این هنوز پایان تعرض ارتجاع طبقاتی و مذهبی به حقوق و دست آورد های مبارزاتی یک قرن طبقه کارگر ایران نیست. آنها نخست کار - گران کارگاههای کوچک زیر ۵ نفر را از هرگونه حق و حقوقی محروم کردند. اکنون آن را در مورد کارگاههای زیر ۵ نفر اعمال می کنند ، و این حقوق را از آنها نیز سلب می کنند و حالا امیدوارند که اگر عمر حکومت اسلامی دو سال دیگر به درازا بکشد ، " اصلاح طلبان " حکومت به رهبری خاتمی نقش ارتجاعی خود را تا به آخر ایفا کنند و تعرض به حقوق کارگران کارگاه های بزرگ را سازمان دهند. آنها از هم اکنون دندان های خود را برای تعرض به حقوق کارگران کارخانه های بزرگ تیز کرده اند.